

# تاریخ نگاری علمی

تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم  
تالیف : ن. و. بیگولوسکایا ، آ. بو. یاکوبوسکی  
ای. پ. پتروشفسکی ، ل. و. استرووا  
۲۰۰۲ م. بلنیتسکی ، ترجمه کریم کشاورز ، جلد اول  
چاپ دوم . انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

## و مادهها میگویند

سازمان قبیله‌ای مادهها بصورتی پراکنده و بدون رهبری ، بالاخره سکونت آنها در فلات ایران می‌انجامد و سپس دولت ماد بصورت عشیره‌ای مقارن با توسعه دام‌داری و نوعی پیدایش سرواژی از هم می‌باشد . شبکه راه و مسیر کاروانی از سوریه به آسیای میانه و نقل و انتقالات بزرگ بسوی نقاط مساعد و لشکرکشی بمنظور تسخیر و تصرف اراضی ، نوعی بردگی را پدید می‌آورد و این جایگزین شدن دوستانه هخامنشی بجای مادههاست . . . . ولی اینکه کورش با فلسطین مناسبات دوستانه برقرار کرد و شهرهای فنیقی را مورد عنایت قرار داد ، تصادف محض نبود . اینان می‌بایست در جنگ آینده علیه مصر ، متحد و نزدیکترین تکیه‌گاه وی باشند .

\*\*\*

از این پس ، چون تجزیه‌طلبی پاره‌ای اقلیت‌ها بوقوع می‌پیوندد ( همچون عیلامیان و سکاها ) کشور به بیست ناحیه اداری یا ساتراپ تقسیم می‌شود و برای هر ناحیه افرادی با عنوان خاص مأمور می‌شوند تا : « به قلمرو ساتراپها سفر کرده به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و مراقب و مواظب باشند تا شورش وعصیان و توطئه‌های وقوع نیابد و تمایلات تجزیه‌طلبی پدید نیاید . » ص ۳۰ ساتراپها علاوه بر تسهیل در جمع‌آوری مالیات از افراد محلی و بومی انتخاب میشدند زیرا با شرایط و اهالی آشنائی بیشتری داشتند ، اما هسته و سازمان مرکزی سپاهیان ، پارسیان بودند ، و عموماً قشرهای عالی ، یعنی توانگران و فرادستان و موبدان موقع بهتری داشتند ، از جمله امتیازات آنها معافیت از پرداخت خراج و حمل سلاح و اشتغال به کشاورزی بود . علاوه بر حرمتی که نسبت به آنها روا میشد ، سران دیوانها از میان آنها برگزیده میشد . در مقابل ، کار اجباری از آن سرفها بود که قصور شوش و آپادانا نمونه و یادگاری است که از آنها بجا مانده است .

در مورد کیفیت وجود مرحله سرواژی در ایران و کلا شرق با آنچه در یونان و روم وجود داشته اختلاف است . عده‌ای معتقدند که اقوام و ملل مشرق زمین ، ادوار کلاسیک تاریخ اجتماعی

خود ، نگارش قسمتی را که در آن تخصص داشته بعهده گرفته است . بی‌آنکه این تخصص و تعدد ، خللی در یکدست بودن اثر وارد آورده باشد ، بلکه مزیت کار جمعی در آن ملحوظ است . در این کتاب ، محک سنجش تاریخ ، زیر بنا و علل حوادث است و از اینرو شرح وقایع و لشکرکشی‌ها و قصه‌درازی ، چاشنی کوچک را گرفته و بجای آن زندگی و نقش مردمان و مناسبات اجتماعی و تولیدی آنها حجم اصلی را تشکیل میدهد .

ویژگی دیگر آن برکناری از اشتباهات و لغزشهای پاره‌ای خاورشناسان غربی است که دچار « اروپوسانتراپسم » هستند و تمدن مدیترانه‌ای را برتر می‌نمایند . چرا که اسالت و قدمت فرهنگی و مدنیت شرق ، عموماً و ایران خصوصاً ، مطمح نظر است و به سطح و سهم ایران در عهد عتیق و قرون وسطی و زبان و هنر پارسی که در طول دوران « قنودالسم » کمتر از یونان باستان نبوده عطف توجه کامل شده است .

کتاب با طرح « موقع جغرافیائی ایران » که به تعبیر دیگر همان عهد عتیق باشد آغاز می‌شود و آنگاه شیوه تولید کشاورزی و دام‌داری و رابطه نزدیک انسان بر حسب نیازش با زمین و آب و طبیعت و حیوانات اصلی بعنوان ابزار تولید و عامل ارتزاق و تربیت دام و اسب و اهلی کردن و شکار در نواحی جنگلی و بعد صید که بدنبال تمرکز در فلات و کانون زراعت و زیست شکل گرفته ، مورد بررسی واقع می‌شود : « فلات ایران از حیث کانهای گوناگون از قبیل کان مس و نقره و نفت و سنگهای رنگین قیمتی و سنگهای ساختمانی ، ثروتمند و ضمناً یکی از کهن ترین کانونهای زراعت جهان است ، حفاریهای باستان‌شناسی که در طی سی سال اخیر بعمل آمده نشان میدهد که ایران در چهارمین هزاره قبل از میلاد مسیح واجد سطح عالی زراعت بوده است . » بطوریکه می‌بینیم نگرش و نگارش تاریخ از زیر ترین نقطه شروع می‌شود و این جنبه تحقیقی و علمی در سراسر کتاب بقدری قوی و غنی است که خواننده با کنجکاوی و شوق آنرا تعقیب میکند ،

« ولتر » گفته است : « تاریخ رافیلوفان باید بنویسند ، افوس که من فیلسوف نیستم . » امروز ، با یادآوری این جمله می‌توان اندیشید که بررسی تاریخ بعنوان یک مقوله علمی باید مورد توجه قرار گیرد یا فلسفی ؟ و در این میان تاریخ نگار باید با بینش فلسفی بکار بنشیند یا نگرش علمی ؟ بیشک تاریخ تا آنجا که معلول تضادها و شرایط عینی و مادی است ، ما را با علم روبرو می‌سازد ، و آنجا که باید بطن وقایع را شکافت و به کنه رموز و اسرار تاریخ فرورفت ، کار با درک فلسفی همراه است ، چرا که علم به آن دهلینها و سردابهای نامکشوف و مخوف و تاریک راه نبرده است . لحظه‌های حساس و تعیین‌کننده در تاریخ بسیارند که آدمی در تعلیل آنها در می‌ماند : اگر لئین به تیر آن زن پس از چند سال نمی‌مرد . اگر یعقوب لیت به بیماری قولنج نمرده بود و هزار اگر و شاید دیگر که می‌شود در هر جای تاریخ گذاشت آیا نمی‌توانست در سیر و بستر این رودخانه تغییر و تأثیری بگذارد ؟ هیچ سر آن ندارم که نقش شخصیت را در تاریخ در اینجا طرح کنم ، فرد با هرنقش و اثری بهرحال مولود و جزء لاینفک حرکت تاریخی است ، اگر نهنگی در مصب رودی برکنندی یا تندی آب اثر گذارد ، این نهنگ معلول شرایط طبیعی و زیستی همان آب ورودست ، نه عنصری خارجی و ماوراء آن . بهرحال تاریخ تا آنجا که به کمیتها مربوط می‌شود ، ما را با علم روبرو می‌سازد ، اما آنجا که کیفیات و بافت و ساخت تاریخ که از مجموعه کمیت های مادی صورت پذیرفته در پیش رویمان قرار میگیرد ، ما با فلسفه سروکار داریم . با این بیان می‌توان بهتر فهمید که سفارش ولتر از چه روست . پنداری که فیلسوف از فراز سستی رفیع بر پهنه تاریخ می‌نگرد ، و به رنجها و شادیهایی زودگذر و دیر پای انسانهای فاتح و مغلوب یکسان نظر دارد ، و قساوت غالب و زاری مغلوب را بی‌غرض ، قضاوت میکند .

باری ، این کتاب ، نخستین تاریخ جامع ایرانست که توسط گروهی از ایران شناسان تاریخ‌نویس دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی لنین‌گراذ نوشته شده و هر نویسنده به مقتضای

خود را کما بیش از روی نمونه یونان و روم طی کرده اند ، و از مخالفین این تر ، بانی جامعه شناسی علمی نخستین کسی بود که در « مقدمه نقد اقتصاد سیاسی » ویژگیهای سازمان تولیدی و اجتماعی ممالک آسیائی را در دوره های ماقبل کاپیتالیسم بیان و خاطر نشان کرده است . این اثر پس از گذشت چند دهه ، با بدست آمدن و چاپ یادداشت های بجا مانده ای از نویسنده ، دوباره مباحثات مفصلی را پیش کشید کما اینکه « احسان نراقی » در مقدمه همین جلد و « احمد اشرف » در مقالات خود در نشریه « جهان نو » و هم طی نقدی که بر این کتاب در « نامه علوم اجتماعی » نوشته و هم شانروان « محمدعلی خنجی » در « راهنمای کتاب سال ۴۶ » بشکلی مبسوط به این اختلاف اشاره کرده اند ، که در این مقال نمی گنجد ، لیکن حاصل همان چیزی است که به « وجه تولید آسیائی » معروف گردیده و گویای اینست که در سرزمین های آسیائی و شرقی و اصولا کم آب ، نظام تولید زراعی به نحوی غیر از شیوه تولید فئودالی غرب و اروپا بوده است .

\*\*\*

سلوکیه ، سلسله ای که از بقایای اسکندر در ایران دوره کوتاهی حکومت کرده ، میراثی از خود باقی گذاشته که با وجود کم توجهی کتاب ، اهمیت دارد ، چرا که شیوه اداری و نظامی آنها که رنگی دمکراتیک داشته و بجای مرکزیت و بوروکراسی ، نوعی تقسیم مشاغل بر اساس حسابها و نه نسبها را در کادرها روا میداشته ، بدعتی در دوره پارتها میگذارد و از جانب دیگر همگام با رشد بازرگانی و بسط مبادلات تجاری میان شرق و غرب که ایران را در بر میگرفت ، مناسبات فرهنگی نیز تحول می یافت . در همین دوران ابریشم و فولادچینی از راه مرو و جاده ابریشم ، با منسوجات سوری و درختان میوه و شتر سرع مبادله می شود : « اگر از یکسو جاده استخر ، کرمانیا ، سیستان ایران را به هندوستان متصل میکرد فزاین نیز بلاواسطه از طریق آبی ، یعنی خلیج فارس با هند مربوط بوده ... »

فرزانگان و مغان که خاندانهای هفتگانه را تشکیل میدهند ، بخشی اعظم از مشاغل و قدرت مرکزی را حائز هستند که برای پاره ای موروثی است ، و شکل غالب تولید بر مبنای سیستم سروازی است : « گر چه هنوز به آن درجه از تکامل (مثلا امپراطوری روم) نرسیده بود . »

قرن سوم میلادی آغاز پیدایش مراحل نخست جامعه فئودالی (آسیائی) است که تکوین آن پدیده ای چون مزدکیان را سبب میگردد که تعارضی بود علیه استقرار تابعیت فئودالی روستائیان ، از هم پاشیدن سیستم تولیدی کهن و تغییرات روبنائی و فرهنگی و گرایش به معتقدات تازه مذهبی و اخلاقی ، همراه است با توسعه شهرها و تجارت که تا هجوم تازیان ادامه دارد . این هجوم اشکال غیر کامل مالکیت فئودالی زمین و آب یا مالکیت دولت و ملکداری غیر مشروط با نظام کشور بیگانه در می آمیزد و نظام تولیدی حاکم همان سیستم کشور غالب است که تا دوران

عباسیان دنباله دارد ، و یا تشکیل حکومت آل بویه ، دوران شکوفائی فئودالیزم فرامیرسد .

### اشترک منافع و نرخ نان

معمولا وقتی دو صنف از یک طبقه ، منافع مشترکی در اتحاد و همکاری خود احساس کنند در تصمیم به تعاون ، درنگ نخواهند کرد ، فی المثل از جمله خصائص فئودالیسم ایران و احتمال نوع شرقی ، این بود که فئودالها مقداری از سرمایه و عواید اضافی خود را بعنوان مال الاجاره و دست مایه به تجار می سپردند و چون علاقه شدیدی میان بازرگانان وجود داشت که سرمایه های خود را باهم یکجا گرد آورند و یک شرکت تجاری تشکیل دهند ، همکاری فئودالها را با آغوش باز می پذیرفتند تا یادستی پر ، کالا و منسوجات را از دیاری به دیار دیگر ببرند و سود حاصله را میان خود و فئودالها با توافق تقسیم کنند و این نوعی همکاری ( دست از من ، مایه از تو ) بود که هر دو طرف از آن بهره می جستند ، از طرفی چون برای این شرکتها مقرون به صرفه نبود که کالاهای متنوع را معامله کنند ، بنابراین هر شرکت تجاری به تجارت یکنوع کالا می پرداخت و بهمین دلیل کاروازاراها نیز در هر شهر وجود داشت هر یک متعلق به یک شرکت و یکنوع کالای خاص بود ، لذا : « تجار بزرگ قطب مخالف فئودالها نبودند ، با ایشان میاوزم نمی کردند [بلکه] برعکس با توافق فئودالها علیه نهضت فیشموزان و بینوایان سعی به تیکار می پرداختند ... » نتیجه چنین نیروهای اجتماعی در ایران باین شکل صف آرایی کرده بودند ، سازمانهای صنفی پیشهوران شهرهای ایران خیلی ضعیف تر از شهرهای اروپای غربی بودند و نمی توانستند نرخ محصولات پیشهوران را چنانکه در مغرب متداول بود به میل خود در بازار معین کنند . از منابع تاریخی چنین بر می آید که وقتی صنف فانویان آکوشید در شهر هزنه قیمت جدیدی برای نان وضع کند ، سلطان محمدرضا قزوینی « قزوینی » که در آن زمان حاکم آن شهر بود ، بای پیلان بیفکنند . « ص ۲۷۷ »

گرچه ممکن است حدسی زده شود که محمود غزنوی « کلمه ای که باید نان را گرتر بخواند توجه است لیکن قبل از این باید فئود صاحبان قدرت را در اطراف او بخاطر آوریم زیرا در زمان محمود برای لشکر کشیها و مخارج سپاه ، خراجهای گزافی جمع آوری میشد ، وانگهی تضاد میان بازرگانان بزرگ که همچون نهنگ ماهی های کوچکتر را می بندد با اصناف خرده پا در آن زمان هم بوجود دیگر وجود داشته و دو صنف از یک طبقه در مقابل صنوف طبقه دیگر صف آرایی می نموده است .

### نقص شناخت

کتاب در پاره ای از قسمت ها عاری از نقص نیست ، از جمله در جائیکه راجع به ظهور اسلام و هجوم اعراب صحبت میکند ، اصول و فروع دین را باهم مخلوط کرده و سرسری و شتابناک می گرد و بطور عموم ، گاهی نویسندگان بطن قضایا را توانسته اند بشکافند ، زیرا اگر میان نگارش تاریخ یک کشور بر مبنای وقایع (بطریقی

که معمول است و تدریس می شود ) یا اثری که بر اصول علمی تاریخ نگاری استوار است ، فرق قائل باشیم ، بیشک نمی توانیم برای تهیه چنین اثری فقط در یک آکادمی بنشینیم و فارغ از مشهودات و حقائق تجربی ، اسناد و منابع را به السنه مختلف جلوی خود بگذاریم و تحقیق و نگارش کنیم ، این روش گرچه کاملا علمی و لازم است لیکن فقط وسیله است آتیم بشکلی که قالبها و ضوابط قبلی و اندکی پیش ساخته بر کار تحقیق و بالمال بر اثری که بوجود می آید حاکم باشند و حال آنکه یک حکم مفهوم را در همه مصادیق نمی توان یکسان جاری ساخت ، بنابراین وسیله باید به زیور هدف نیز آراسته شود ، یعنی تجسس عینی و کاوش علمی بمناب جانی است که در پیکر تحقیق کتابی و تئوریک میدیم با توجه باینکه به اعتراف نویسندگان ماخذ آنها کامل نیست . گرچه آثاری که یک سازمان علمی برای کشور دیگر تحریر کرده کمابیش از چنین نواقصی مبرا نیست لیکن بهرحال باید کاستیها برطرف شود .

نکته دیگر عدم تعریف و تصریح راجع به نوع نظام و عدم طرح اشکال طبقاتی جنگهای درون مرزی و بیرون مرزی و چگونگی رشد نیروهای تولیدی و علل پیروزی و شکست آنهاست . مثلا اینکه چه نیروهایی به قدرت گیری اسکندر منجر شد و در کدام مرحله از رشد نیروهای تولیدی و با چه سیری او را چون قوه گریز از مرکز به شرق پرتاب کرد و یا چه نیروی مغناطیس او را به شرق کشاند یا چگونه اسکندر پیروز شد جواب همه این سئوالات و نتیجه سقوط و شکست ایران مجمل و مبهم می ماند .

راجع به وابستگی رعایا به زمین و خرید و فروش آنها که با زمین معامله و دست بدست میشدند مطلبی بیان نمی شود ، گوئی این نیاز به وقت و حجم بیشتری داشته ، یا اینهمه در شرافلی که تالیفات دیگر ، انباشته از نقل سنگ نوشته ها رسمی بیستون و با ستون است ، این کتاب انگشت بر مسائل اساسی و ضروری گذارده است .

راجع به تکامل تاریخی و اقتصادی و روابط سروازی در عربستان ، دو نظریه میان دانشمندان روسی وجود دارد . دسته ای معتقدند که در جامعه مزبور پیش از آغاز فتوحات ، مقدمات فئودالیزم وجود نداشته و سرواز رو به رشد میرفته که به شیوه اصلی تولید در آید ، دسته دیگر در مخالفت با این عقیده می گویند روابط فئودالی پیش از آغاز فتوحات در جامعه عربی وجود داشته و بسط یافته است .

و کلام آخر اینکه نمی توان راجع به مترجم اثر سخنی بمیان نیاورد ، از « کشاورز » این خدمتگذار صادق به فرهنگ و تاریخ این سامان که بقول رضا داوری پیش از سیدد اثر خارجی را از زبانهای بیگانه به زیور جامعه پارسی آراسته و سزاست که سیاست گوئیم و چشم براه دیگر آثارش باشیم که همچون « اسلام در ایران » چشمها را روشنی بخشد .